



## مروری بر

# قانون تجارت

## و الزامهای اصلاح آن

### مقدمه

نهادهای پویا به‌ویژه نهادهای حقوقی، از ارکان اصلی توسعه و پیشرفت کشور به‌شمار می‌آیند. در این راستا، اهتمام بر اعتلای قوانین به‌عنوان عنصر اصلی نهاد حقوقی، از اولویتها است. شکوفایی اقتصادی ملی نیز به‌عنوان یک عرصه مهم، نیازمند قوانینی است که در عین شفاف و جذاب ساختن محیط کسب‌وکار، با توجه به ویژگیهای ملی و در تعامل با تحولات اقتصادی جهانی، با به‌نظم کشیدن روابط اقتصادی، از فعالان این عرصه پشتیبانی کند.

قانون تجارت در بین قوانین اقتصادی، بی‌تردید بی‌همتا است؛ مجموعه‌ای که در گستره‌ای وسیع و در عین حال منسجم؛ مقررات مختلفی از تعریف تاجر تا قراردادهای تجاری، از اسناد تجاری تا حقوق شرکتها و از ثبت تاجر تا تصفیه ورشکستگی و حوزه‌های فراوان دیگر را به‌نظم درمی‌آورد. از اینرو، چه از لحاظ گستردگی موضوعها و چه از باب حساسیت آنها، بی‌ظنیر است. در تاریخ ۱۳۸۱/۴/۱۹، هیئت وزیران تدوین لایحه اصلاح قانون تجارت را تصویب کرد و نوسازی این قانون مهم که بیش از هشتاد سال از تصویب آن می‌گذرد را در دستور کار قرار داد. اگرچه لایحه اصلاح قانون تجارت در تیرماه ۱۳۸۴ منتشر شد، اما هیچ‌گاه به تصویب نهایی نرسید.

در این مطلب، ابتدا به نقد وضع موجود پرداخته شده است؛ آنگاه نقایص و ابهامهای موجود در قانون تجارت فعلی بیان شده و سپس جهتگیریها و هدفهایی که ممکن است در اصلاح قانون تجارت در نظر گرفته شود، برشمرده خواهد شد.

### نقد وضع موجود

قانون تجارت ایران (مصوب ۱۳۱۱) که از قانون تجارت ۱۸۰۷ فرانسه اقتباس شده، به‌رغم گذشت مدت زمانی طولانی از تاریخ تصویب اولیه آن و دگرگونیهای انجام‌شده در شرایط اقتصاد جهانی و اوضاع و احوال اجتماعی، با تحولات اجتماعی و تغییر روابط اقتصادی و تجاری، هماهنگی ندارد. این قانون که در حیطه خود قانون مادر محسوب می‌شود، توان بهره‌برداری از فناوریهای روز و نیز توان همگامی با شرایط اقتصادی امروز را نداشته و درباره بسیاری از موضوعهای تجاری مانند سرمایه‌گذاری خارجی، سرقفلی، بورس، بیمه و مالکیت‌های صنعتی، نارسا است.

قانون تجارت (۱۳۱۱) و لایحه اصلاحی آن مصوب ۱۳۴۷، صرفنظر از قانون تعاون جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۰ (بخش شرکت‌های تعاونی) و برخی مقررات پراکنده در مورد شرکتها، قانون حاکم بر شرکت‌های تجاری است. مقررات حقوق شرکتها افزون بر این‌که از نظر ماهوی با نیازها و واقعیتهای روابط

اشتغال به تجارت؛

- نارسایی از بابت معیار شناسایی تاجر و تعریف تاجر؛
- تعارض آشکار در الزام تجار به داشتن دفاتر چهارگانه با صورت‌حسابهای رایانه‌ای؛
- از نقطه نظر شکلی، قالبهای هفت‌گانه شرکت‌های تجاری نیازمند تغییر هستند؛
- در امور ناظر به ماهیت مقررات مربوط به تشکیل، فعالیت و اداره شرکتها، وضعیت کنونی نیاز به تغییر و بازنگری دارد؛
- مقررات ناظر بر اداره شرکت و جایگاه و نقش مدیریت در چگونگی اداره آن، دارای نارساییهایی است؛
- با توجه به سکوت در بقا یا نسخ مقررات قانون تجارت ناظر بر اوراق قرضه (مواد ۷۱-۵۱) به وضع قانون نحوه انتشار اوراق مشارکت سال ۱۳۷۶ و اعمال آن در شرکت‌های سهامی عام، خاص و تعاونی، تعیین تکلیف در این خصوص ضرورت دارد؛
- احکام دست‌وپاگیر، از جمله لزوم سهامدار بودن اعضای هیئت‌مدیره در شرکت‌های سهامی که مخل مفهوم جدا بودن مالکیت از مدیریت است؛
- غیرواقعی و غیرمؤثر بودن جزاهای نقدی پیش‌بینی شده برای تجار، مدیران شرکتها، همچنین کمترین سرمایه لازم برای تشکیل شرکت‌های تجاری مقرر در قانون؛
- ماکول کردن اعمال ضمانت اجراهای نقض مقررات یا تخلف از آنها به شکایت و اقامه دعوی اشخاص ذینفع و نبود نظارت لازم بر اجرای صحیح قانون؛
- نبود جامعیت به‌گونه‌ای که بتواند اسناد تجاری آینده ناشی از پیشرفت‌های فعالیتهای تجارتهای و اسناد تجاری الکترونیکی را دربرگیرد؛
- نبود هماهنگی میان قانون تجارت و قانون صدور چک و در اساس، جدایی این دو قانون از یکدیگر؛
- متن ناآشنا و کوتاه قانون تجارت که خود ناشی از عوامل متعددی است؛
- تسری ناقص قوانین برات، به چک و سفته؛ به‌گونه‌ای که درک احکام چک و سفته در قانون تجارت با دشواری روبه‌رو است؛

اقتصادی-بازرگانی ناسازگار است، حتی در زمان تصویب نیز دارای ابهامها و نارساییهای بسیاری بوده است.

برای مثال در خصوص ورشکستگی، باید گفت مقررات سال ۱۳۱۱ قانون تجارت در این مورد دارای دو جنبه شکلی و ماهوی است.

از لحاظ شکلی، این قواعد فقط متضمن یک روش یا آیین‌نامه به نام تصفیه امور ورشکستگی یا توقف است؛ ولی بدهکار می‌تواند برای مصالحه و جلوگیری از تصفیه اموال، قرارداد ارفاقی پیشنهاد کند. از جنبه ماهوی، مقررات ورشکستگی به‌منظور تأدیه هرچه کامل‌تر دیون در اسرع وقت، تدوین شده‌اند.

بنابراین، نظام ورشکستگی در قانون تجارت فعلی بر محور وفا به عهد در پرداخت دیون استوار است.

ایرادهای چنین نظامی به‌طور خلاصه، عبارتند از:

- توجه نکردن به امنیت شخصی تاجر و خانواده او؛
- توجه نکردن به امنیت اشتغال و سرمایه در واحدهای اقتصادی متعلق به تاجر؛

• توجه نکردن به امنیت حقوقی بنگاه‌های اقتصادی؛

• مشخص نبودن زمان شروع ورشکستگی؛

• نبود قواعد منسجم و واحد در نظام اداره و مدیریت تصفیه (وجود مقررات دوگانه)؛

• کافی و مؤثر نبودن مقررات در مورد ساختار قرارداد ارفاقی؛

• تناسب نداشتن مقررات در مورد مرور زمان و مهلت‌های ورشکستگی با واقعیتهای دنیای تجارت؛

• نقص قواعد راجع به اعاده اعتبار تاجر؛ و

• نقص مقررات راجع به جریمه‌ها و مجازات‌های ورشکستگی.

### نقصها و ابهامهای قانون تجارت (۱۳۱۱) و لایحه اصلاحی (۱۳۴۷)

• پراکندگی بندهای ۱۰ گانه ماده ۲ قانون تجارت در خصوص اعمال تجارتهای؛

• همخوانی نداشتن بندهای ماده ۳ قانون تجارت با یکدیگر؛

• بیان نشدن قواعد ناظر بر خریدوفروش تجاری و ارجاع به قوانین دیگر؛

• سکوت قانون تجارت در مورد اهلیت تاجر و شرایط عمومی

- منحصراً کردن اعتراض پرداخت نشدن به انجام واخواست برای اثبات مراجعه به متعهد اصلی سند تجاری و ناهماهنگی آن با تحولات جدید و دشواریهای ناشی از آن؛
- نبود یک نظام مشخص و شفاف و منطبق با واقعیت‌های اقتصادی در زمینه خسارات تأخیر تأدیه؛
- نبود هرگونه حکمی در مورد مسئولیت بانکه‌ها در حوزه اسناد تجاری و به‌ویژه چک؛
- سکوت قانون نسبت به اثر انتقال سند غیرقابل انتقال؛
- سکوت قانون در خصوص ضمانت از اسناد تجاری؛
- وجود مقررات غیرضروری در خصوص برات؛ مانند قبولی شخص ثالث و برات رجوعی؛
- نبود احکام راجع به مسئولیت وکیل و موکل در صدور و ظهرنویسی اسناد تجاری؛
- نبود احکام راجع به ارتباط سند با قرارداد پایه؛
- تعیین نکردن تکلیف قانون از این نظر که اسناد تجاری فقط بر روابط تجاری حاکم است یا تمامی اشخاص؛ و
- نقص در شرایط صوری اسناد به‌ویژه در سفته و چک.

### سوگیریها و اهدافی که ممکن است در اصلاح

#### قانون تجارت در نظر گرفته شود

- ارائه معیارهایی مشخص برای شناسایی تاجر از غیرتاجر و تعیین تکلیف وضعیت کسبه جزء با توجه به تحولات اقتصادی و تجاری جدید؛
- ارائه دسته‌بندی مناسب از اعمال و فعالیت‌های تجاری و حذف موارد غیرضروری؛
- بررسی امکان توسعه مصداق‌های اعمال تجاری به امور واقعی موجود در جامعه؛
- حکم، اصلاح و تکمیل مقررات ناظر بر تکالیف تاجر؛
- به‌روزرسانی مقررات ناظر به دفاتر تجار و نگهداری حساب‌ها با توجه به فناوریهای اطلاعات؛
- به‌روزرسانی و مؤثرسازی ضمانت اجرا در قانون تجارت؛
- سامان بخشیدن به وضعیت قراردادهای تجاری؛
- ایجاد هماهنگی بین قانون تجارت و دیگر قوانین مرتبط؛
- بررسی مقررات مربوط به کنسرسیوم و تدوین مقررات آن با توجه به نیازهای کشور؛

## قانون تجارت ایران

(مصوب ۱۳۱۱)

## که از قانون تجارت

۱۸۰۷ فرانسه

اقتباس شده

در

## شرایط اقتصاد جهانی و

## اوضاع و احوال اجتماعی

## با تحولات اجتماعی و

تغییر روابط

## اقتصادی و تجاری

هماهنگی ندارد

• تعریف نشدن برات و نقص در تعریف‌های چک و سفته که در استفاده ناصحیح از این اسناد مؤثر بوده است؛

• سکوت کامل قانون تجارت نسبت به اصل حمایت از دارنده با حسن نیت سند تجاری که مشکلات متعددی را به وجود آورده است؛

تعهدهای ناشی از اسناد تجاری (چک، برات و سفته) در حدود مقررات قانونی؛

• ملاحظه کنوانسیونهای بین‌المللی در مورد چک، سفته و برات و سعی در هماهنگ کردن مقررات این اسناد با کنوانسیونهای موجود؛

• پیش‌بینی مقررات در مورد ضمانت از اسناد تجاری؛

• حذف مواد غیر ضروری از برات؛

• پیش‌بینی مقررات مربوط به اسناد تجاری الکترونیکی؛

• استفاده مناسب از تحولاتی در باب بازسازی و ورشکستگی تاجر؛

• تعیین دوره‌ای برای امکان بازسازی تاجر متوقف از پرداخت دیون؛

• تعیین زمان دقیق و بدون ابهام شروع توقف؛

• نهادسازی و گسترش توان قوه مجریه و قضاییه در کشف موارد ورشکستگی و توقف؛

• دگرگون‌سازی ساختار قرارداد ارفاقی و در نظر گرفتن آن برای کسبه (بازسازی مالی)؛

• ایجاد قواعد منسجم و واحد در نظام اداره تصفیه و مدیر تصفیه و حذف دوگانگی موجود (قانون تجارت از یک سو و

قانون تصفیه و آیین‌نامه آن از سوی دیگر)؛

• بررسی تقدم بستانکاران ورشکسته بر مبنای تقدم مطالبات تجاری با لحاظ مطالبه‌های کارگری و حق بیمه تأمین اجتماعی و مؤخر قرار دادن مهریه همسر و جزای نقدی و مطالبات دولت و امثال آنها؛

• ایجاد تحول در مورد جریمه‌ها و مجازات‌ها با تفکیک سرنوشت فرد از بنگاه؛

• بازنگری در مقررات مرور زمان و مهلت‌های کوتاه ورشکستگی؛ و

• ایجاد تغییرات لازم در قواعد در مورد بازگرداندن اعتبار.

#### منبع:

لایحه اصلاح قانون تجارت، فرایندها و اصول تدوین و نوآوریها، دفتر مطالعات اقتصادی، معاونت برنامه‌ریزی و امور اقتصادی وزارت بازرگانی، تیرماه ۱۳۸۴

• در نظر گرفتن موضوع ضمانت مستقل در قانون تجارت؛

• پیش‌بینی قواعد عمومی ناظر بر شرایط اشتغال به تجارت و بررسی نقش برخی نهادهای مرتبط مانند اتاق بازرگانی در این خصوص؛

• بررسی لزوم هماهنگی قانون تجارت با کنوانسیونهای بین‌المللی؛

• انتخاب شیوه‌ای مناسب برای نحوه و ترتیب قرارگیری قوانین راجع به اسناد تجاری در کنار یکدیگر؛

• بررسی تغییرات لازم در قانون راجع به برات با توجه به واقعیت‌های تجاری؛

• بررسی ضرورت ذکر تمامی قواعد راجع به سفته؛ بدون ارجاع به قانون برات؛

• مطالعه در مورد ضرورت ذکر تمامی قواعد راجع به چک اعم از مواد قانون تجارت و قانون صدور چک؛ بدون ارجاع به قانون راجع به برات؛

• ارائه تعریف جامع و مانع و منطبق با واقعیتها از چک، سفته و برات؛

• بررسی ضرورت تعیین درصدی معین به عنوان نرخ محاسبه خسارت تأخیر تأدیه اسناد تجاری شامل چک، برات و سفته؛

• مطالبه امکان تأدیه وجه سفته و برات از محل حساب جاری یا حساب پس‌انداز؛

• بررسی جایگزینی و اخواسنامه در برات و سفته با گواهینامه عدم پرداخت؛

• تسری قابلیت اجرایی چک به سفته؛

• الزام اجرای ثبت به صدور اجرائیه نسبت به مبلغ تأدیه‌نشده اسناد تجاری (چک و سفته) و همچنین نسبت به خسارتهای تأخیر تأدیه؛

• مطالعه ضرورت پیش‌بینی مسئولیت مدنی بانک در افتتاح حساب جاری و ارائه دسته‌چک؛ بدون رعایت حدود عرفی یا قانون؛

• اصلاح قانون صدور چک بدون محل؛ با هدف خروج چک بدون محل از جریمه‌های مادی صرف و هدایت دادگاه به آشکار نمودن و اثبات قصد متقلبانه صادرکننده چک بدون محل؛

• بررسی دسترسی بانکها و مشتریان به اطلاعات اعتباری بانک مرکزی در خصوص درستی عمل اشخاص نسبت به